

بررسی رابطه بین طلاق و بزهکاری

سید ابو القاسم علوی
رئیس شورای تحقیقات زندانهای

اشاره

گسترش آسیبهای اجتماعی و منتهی شدن بسیاری از آنها به زندان چالشی عظیم پیش روی جامعه نهاده است که لزوم اقدامات عاجل را گوشزد می‌کند. در این راستا شورای تحقیقات زندانهای خوزستان اقدام به اجرای پیمایشی نمود که ماحصل آن در این مقاله آمده است. امید است گامی در جهت پیشگیری از این معضلات باشد.

مقدمه

می‌باشد، و توجه اجتماعی بزهکاری و کجروی بایستی هم در فضای جامعه‌یی که عمل انحرافی در آن به وقوع پیوسته و هم در چهارچوب روابط متقابل اجتماعی صورت گیرد. (صدیق، ۱۳۷۴، ۹۴).

دانشندان علوم اجتماعی معمولاً نظریه‌ها را به مثابه تلاش برای تبیین پدیده‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند. بنابراین مکاتب و رویکردهای جامعه‌شناختی بزهکاری و جرم و جنایت مجموعه‌ای از نظریه‌هایی هستند که می‌کوشند تا رفتار انحرافی را تبیین نمایند. اهمیت هر نظریه بزهکاری اجتماعی در اعتبار آن نهفته است. (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۴).

در این تحقیق تلاش شده است تا هم به عوامل ساختاری و هم موقعیتی در یک جامعه در ایجاد بزهکاری، انحراف و جرم توجه شود و به واقع دیدگاه نظری چارچوبی تلفیقی است. از دیدگاه جامعه‌شناختی راههای مختلفی برای مطالعه و بررسی بزهکاری‌ها و انحرافات اجتماعی ارائه شده که اغلب با هم فصل مشترکی دارند که تلاش گردیده است بر اساس آن جوانان بزهکار مورد ارزیابی قرار گیرد.

از جمله مهمترین کاربردهای نظریه‌ها جهت بررسی زمینه‌های رشد و توسعه، مهار بزه‌دیدگی بالاخص در نظام خانواده است. چرا که خانه جایی است که زندگی در آن آغاز می‌گردد و روابط نامطلوب و پاشیدگی خانوادگی و یا اعتیاد، طلاق و عوامل دیگر نابسامانیهای زیادی به چشم می‌خورد که در این مورد متخصصان علوم اجتماعی معتقدند برای ایمن‌سازی افراد جامعه و تقلیل آسیب‌های اجتماعی باید ریشه عوامل موجود انحراف را یافت و راهکارهایی برای اصلاح آن ارائه کرد.

باید توجه کرد که طلاق و گسستگی خانواده تأثیری مستقیم و قطعی در بروز رفتار بزهکارانه در جوانان دارد. بولبی (فدایی ۱۳۶۸: ۳۶) معتقد است جدایی از والدین به خصوص مادر که موجب ناتوانی در برقراری رابطه‌ی عاطفی سالم و صحیح به هنگام بلوغ می‌شود. هویر نشان داده است که نزدیک به ۹۰ درصد از جوانان بزهکاران، منحرف و یا مجرم از خانواده‌هایی هستند که طلاق باعث شده است تا شیرازه زندگی آنان از هم گسیخته شده و سایه شوم خود را بر سایبان زندگی جوانان طلاق افکنده است (پورافکاری ۱۳۶۳: ۹۷).

چارچوب نظری

بزهکاری بعنوان یک معضل اجتماعی، نظریه‌های بسیاری را دربر می‌گیرد، در این مقاله با روش تلفیق نظریه‌ها، عوامل موثر بر بزهکاری بررسی و مفهوم بزهکاری فرزندان طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی

همچنین باید در این تحقیق به این مسئله بسیار مهم و حیاتی در جامعه ایران اشاره کرد که طلاق هر سال سیر صعودی دارد و میزان طلاق در جامعه ایران رو به افزایش است که در این مورد «جامعه‌شناسان به آنچه که روانکاوان، روانپزشکان و زیست‌شناسان در مورد علل کجروی می‌گویند آگاهی دارند و معتقدند که در واقع این «عمل اجتماعی» است که هسته اصلی این مبحث اجتماعی و جامعه‌شناختی

مطالعه شود.

۱) تئوری میدانی کورت لوین
میدان اجتماعی و روانی (عوامل فردی و محیطی) در گرایش فرزندان طلاق به بزهکاری موثر است. کورت لوین در این زمینه معتقد است رفتار انسانی تابع عوامل مختلف و به هم وابسته است و این عوامل را می‌توان به دو گونه خصایص شخصیتی و محیطی تقسیم کرد چرا که رفتار هر فرد تابع آن شرایط محدود زمانی و مکانی خاص است که او در آن زندگی می‌کند. این رابطه پویایی تقابلی موقعیتی را به وجود می‌آورد که رفتار تابع آن است.

۲) نظریه کودکان طلاق والرشترین و کلی

این دیدگاه می‌گوید: «جدایی والدین از همدیگر در گرایش فرزندان به بزهکاری موثر می‌باشد.» و کودکان پس از جدایی پدر و مادر در اغلب موارد دچار اضطراب عاطفی آشکار شده و از آن رنج می‌برند. این نظریه پردازان همچنین می‌گویند کودکانی که تجربه طلاق در زندگی خود را می‌بینند دچار اضطراب و فرار از خانه می‌شوند و در نتیجه به ورطه‌ی انحرافات و بزهکاری‌های مختلف می‌افتند. بدون تردید بعضی از منحرفان جوان به خانواده‌هایی تعلق دارند که دچار مشکلات خانوادگی هستند. (کی‌نیا، ۴۹۵، ۱۳۷۳).

۳) نظریه ازگود و همکاران
در این راستا به ۴ دسته از عوامل موثر اشاره می‌کنند.

۱- فراهم بودن شرایط انحراف (مثلاً امکان دسترسی به عواملی نظیر الکل و سیگار و حشیش ...)

۲- میزان گذراندن زمان با جوان‌های همسن: در گروه‌های همسن است که طی آن انسان کارهایی را انجام می‌دهد تا از

جانب هم سن‌ها تشویق شده یا توییح نشود.

۳- عدم حضور یک شخصیت مقتدر: بیشتر کارهای انحرافی در خانواده‌ها وقتی روی می‌دهد که یک عضو مقتدر در منزل نباشد. ۴- زندگی برنامه‌ریزی شده: به همان میزان که جوانان دارای برنامه در زندگی می‌شوند به همان میزان وقت برای کارهای غیر برنامه‌ریزی شده کم می‌آورند. (ممتاز ۷۵، ۱۳۸۰)

۴) نظریه پیوند افتراقی ساترلند
فرآیند یادگیری رفتار مجرمانه بوسیله دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود.

او می‌گوید بین میزان گرایش به دوستان منحرف و میزان بزهکاری رابطه وجود دارد. ساترلند معتقد است که انحرافات عموماً در قالب گروه‌های نخستین نظیر گروه دوستان یا خانواده آمیخته می‌شود. این گروه‌ها بسیار متنفذتر از مامورین و مسئولین رسمی مانند معلمین، کشیشان، افراد پلیس و ابزار ارتباط جمعی می‌باشند.

از نظر ساترلند فرآیند یادگیری رفتار تبهکارانه شامل: تکنیک‌های تبهکاری، انگیزه‌ها، گرایش‌ها و دلیل تراشی لازم برای آن می‌شود. بدین ترتیب یک جوان هم می‌آموزد که چگونه با موفقیت دزدی کند و هم چگونه استدلال بیاورد تا دزدی خود را توجیه کند و برای آن عذری بتراشد (رفیع‌پور،



جدایی والدین
از همدیگر در
گرایش فرزندان
به بزهکاری موثر
می‌باشد.

۵۲، ۱۳۷۸).

۵) تئوری نیازهای آبراهام مازلو
میزان امیدواری برای ارضای نیازها در گرایش به بزهکاری موثر می‌باشد. مازلو نیازهای موجود برای هر انسان را به ۵ دسته تقسیم می‌کند که به شرح زیر عبارتند از:

۱- نیازهای جسمانی، که هدف آن حفظ حیات زیستی انسان می‌باشد.

۲- حس صیانت نفس، (امنیت و آزادی).

۳- حس تعلق خاطر و عشق (محبت).

۴- ارزش، منزلت (خود و دیگران).

۵- پرورش و رشد شخصی، (از طریق رشد امکانات و رشد ظرفیت‌ها و استعدادها).

باید توجه کرد که بزهکاری وقتی پیش می‌آید که یکی یا چند مورد از این نیازها در جامعه ارضاء نشوند و در نتیجه فرد برای اینکه بتواند این نیازهای موجود را رفع نماید دست به اعمال خلاف می‌زند، چرا که خود در وهله اول باعث و بانی عدم ارضای نیازها شده است لذا فرد نیز به بزهکاری رو می‌آورد.

فرضیه‌ها: قابل ذکر است که فرضیه‌ها استنباطی از نظریه‌های فوق می‌باشند:

فرضیه ۱: بین عوامل فردی (سن، درآمد خانواده و بعد خانوار و ...) و میزان بزهکاری رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه ۲: بین عدم حضور شخصیت مقتدر در خانواده (نظارت والدین) و میزان بزهکاری رابطه معکوس وجود دارد.

فرضیه ۳: بین وجود ناپدیری و یا نامادری در خانه (ازدواج مجدد والدین) و میزان بزهکاری رابطه وجود دارد.

فرضیه ۴: بین طلاق (جدایی والدین از همدیگر) و میزان بزهکاری رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ۵: بین نابسامانی خانواده (اختلافات خانوادگی) و میزان بزهکاری فرزندان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۶: بین میزان گرایش به خانواده و بزهکاری فرزندان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۷: بین میزان ارضاء نیازها و میزان گرایش به بزهکاری رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه ۸: بین میزان محرومیت نسبی و گرایش به بزهکاری رابطه معنی داری وجود دارد:

فرضیه ۹: بین میزان روابط و مبادلات اجتماعی و گرایش به بزهکاری رابطه معنی داری وجود دارد این رابطه معکوس می باشد یعنی هر چقدر روابط و مبادلات اجتماعی بالاتر باشد میزان بزهکاری پایینتر می رود.

فرضیه ۱۰: بین میزان همبستگی اجتماعی و گرایش بزهکاری رابطه معنی داری وجود دارد و این رابطه معکوس می باشد یعنی هر چقدر میزان همبستگی اجتماعی بالا رود میزان بزهکاری کاهش می یابد.

فرضیه ۱۱: بین میزان از خودبیگانگی و گرایش به بزهکاری رابطه معنی داری وجود دارد و این رابطه مستقیم می باشد یعنی هرچقدر میزان از خود بیگانگی بالا رود میزان بزهکاری نیز افزایش می یابد.

فرضیه ۱۲: بین میزان گرایش به دوستان و میزان بزهکاری رابطه معنی داری وجود دارد و این رابطه معکوس می باشد.

داده‌ها و نمونه‌ها

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه بزهکاران پسر زیر ۱۸ سال شهر اهواز است که در سال ۸۵ در کانون اصلاح و تربیت

هستند. همچنین یک نمونه از افراد همسال در مدارس با آنها همگن گردید، این افراد به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناسی، سن و جنس با جوانان بزهکار یکسان باشند. روش نمونه‌گیری زوجهای جور شده می‌باشد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که:

۱- ۶۲ درصد از اعضای نمونه سنین ۱۵-۱۶ سال قرار دارند.

۲- ۵۰ درصد آزمون‌های بزهکار دارای تحصیلات راهنمایی می‌باشند و این در حالی است که ۸۵ درصد افراد عادی (غیر بزهکار) دارای تحصیلات دبیرستان می‌باشند توجه به سن بزهکاران که اکثر آنها بین ۱۵-۱۶ سال قرار دارند و تحصیلات که ۵۰ درصد آنان دارای تحصیلات راهنمایی هستند نشان می‌دهد که بیشترین بزهکاران تحصیلات پایین دارند و یا ترک تحصیل نموده‌اند.

۳- بالاترین درصد جرایم بزهکاران پسر زیر ۱۸ ساله شهر اهواز، مربوط به سرقت و ضرب و جرح و کمترین مورد مربوط به قتل می باشد.

۴- خانواده افراد غیر بزهکار از نظر درآمد وضع بسیار بهتری نسبت به خانواده‌های افراد بزهکار دارند.

۵- بعد خانوار گروه بزهکار ۶/۵ و گروه همتا ۴/۲ می‌باشد.

۶- محل سکونت ۹۱/۷ درصد افراد بزهکار شهر می‌باشد.

۷- ۳۶ درصد افراد بزهکار در



بالاترین درصد جرایم بزهکاران پسر زیر ۱۸ ساله شهر اهواز، مربوط به سرقت و ضرب و جرح و کمترین مورد مربوط به قتل می باشد.

خانواده‌هایی زندگی می‌کرده‌اند که مسکن شخصی داشته‌اند در حالی که ۸۰ درصد خانواده‌های غیر بزهکار دارای مسکن شخصی می‌باشند.

۷- ۱۴/۵ درصد از نوجوانان بزهکار دارای شغل کارگری و ۲۰ درصد محصل و ۱۸/۳ درصد دستفروش و ... می‌باشند در حالی که ۸۱ درصد از نوجوانان غیربزهکار در همین سن محصل و ۶/۷ درصد کارگران و ۶/۷ درصد دستفروش می‌باشند.

۸- ۳۶/۸ درصد پدران آزمودنی‌های بزهکار دارای شغل کارگری و ۳۵ درصد شغل آزاد و ۱۸/۳ درصد کارمند می‌باشند در حالی که ۲۳/۳ درصد پدران آزمودنی‌های غیربزهکار دارای شغل کارگری و ۳۸/۳ درصد کارمند و ... می‌باشند.

۹- ۹۸/۳ درصد مادران آزمودنی بزهکار خانه‌دار هستند در حالی که ۵۲ درصد مادران آزمودنی‌های غیر بزهکار خانه‌دار هستند.

۱۰- ۵۶/۷ درصد بزهکاران با پدر و مادرشان زندگی می‌کردند و ۱۳/۳ درصد با مادر و ۱۱/۷ درصد با پدر و نامادری و ۱۱/۷ با پدر و ۵ درصد با مادر و ناپدری زندگی می‌کنند.

۱۱- ۴۳/۲ درصد آزمودنی‌های بزهکار ذکر کردند که والدینشان جدا از هم زندگی می‌کنند و از این بخش ۳۶ درصد عامل جدا زندگی کردن والدین خود را طلاق ذکر نموده‌اند که این درصد قابل ملاحظه‌ای است.

۱۲- در بیان علت حضور افراد در کانون اصلاح و تربیت ۲۶/۷ درصد آزمودنی‌ها به علت سرقت ۲ درصد قتل، ۱۸/۳ درصد افراد به علت اعتیاد و ۱/۷ درصد افراد ولگردی و ۳/۳ درصد داشتن رابطه نامشروع، ۱۸/۳ درصد قاچاق مواد مخدر،

واریانس یک طرفه می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل (سن و آنومی اجتماعی) با متغیر وابسته تفاوت معنی‌داری وجود ندارد اما بین عامل (درآمد/بعدخانوار) با متغیر وابسته تفاوت معنی‌داری وجود دارد و همچنین بیشتر عوامل مستقل با متغیر وابسته دارای تفاوت معنی‌داری هستند و این فرضیه‌های تحقیق را تایید می‌نماید.

بنابراین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که بالاترین درصد بزهکاری نوجوانان ۱۶-۱۷ سال می‌باشد و بالاترین درصد در ارتباط با ترک تحصیل و یا پایین بودن سطح تحصیلات بزهکاران می‌باشند و در مقابل نوجوانان عادی در همان سن دارای تحصیلات خوب در حال تحصیل بودند. در موقع پر کردن پرسشنامه‌ها پایین بودن سطح تحصیلات بزهکاران کاملاً مشخص و آشکار بود و این نشان می‌دهد که عدم آگاهی و تجربه این نوجوانان می‌تواند عاملی برای بزهکاری آنان به شمار آورد.

۱۴- تعداد افراد خانواده بزهکار بیشتر بین ۷-۵ نفر می‌باشد در حالی که تعداد افراد خانواده نوجوان عادی بیشتر بین ۴-۲ نفر می‌باشد.

۱۵- فقدان پدر و مادر، اضطراب و احساس ناامنی به خاطر نداشتن محیط گرم خانوادگی می‌تواند در

گرایش آنها به بزهکاری موثر باشد. نوجوانان بزهکار که پدر و مادرشان از هم جدا شده‌اند یعنی طلاق گرفته‌اند به این نکته اشاره نموده‌اند که: غم و اندوه و کسلی فروانی در خود احساس می‌کنند و برای نجات و رهایی از تنهایی و ناراحتی به طرف دوستان ناباب گرایش پیدا کرده‌اند، در محیط خانوادگی گرم و صمیمی زندگی نمی‌کرده‌اند و احساس بی‌ارزشی می‌کنند و نیازهای آنها که محبت والدین و خانواده‌ای سالم می‌باشد ارضا نمی‌شده است. احساس حقارت می‌کنند و هرگز برای جامعه خود و خانواده مفید نبوده‌اند و به انواع جرائم دیگر رو می‌آورند که متأسفانه اگر خانواده، دوستان و اطرافیان برخورد خوبی با این افراد داشته باشند می‌توانند با راهنمایی و هدایت آنها را اصلاح نمود.

مورد دیگری که در پرسشنامه عنوان شده بود انگیزه ارتکاب جرم بود که تمام آنها به فقر مالی، داشتن دوستان ناباب و جدایی پدر و مادر اشاره داشتند که ناگفته نماند که ۳۳/۳ درصد بزهکاران پدر و مادرشان از هم جدا زندگی می‌کنند که از این میزان ۲۸ درصد عامل جدایی والدین را طلاق عنوان نموده‌اند که نشانگر این است که بین طلاق و بزهکاری فرزندان رابطه وجود دارد ولی این بدان معنی نیست که طلاق تنها عامل بزهکاری فرزندان می‌باشد بلکه عوامل دیگر نیز در بزهکاری فرزندان موثر می‌باشند.

وجود فیزیکی پدر و مادر برای تربیت کودک کافی نیست بلکه پدر و مادر با تفاهم و همدلی و کنترل منطقی و عاقلانه می‌توانند فرزندان خود را تربیت کنند و انسانهایی پاک و سازنده و فعال را تحویل اجتماع دهند.

۲۱/۷ درصد ضرب و جرح و بقیه افراد سایر موارد اشاره نموده‌اند که بالاترین درصد جرائم مربوط به سرقت و ضرب و جرح می‌باشد و کمترین مورد قتل می‌باشد.

۱۳-۸/۳ درصد نوجوانان بزهکار موافق بزهکاری و گرایش به آن هستند و ۶/۷ درصد تا حدودی ۱۸/۳ درصد مخالف بزهکاری و ۵۱ درصد نامعلوم می‌باشد و این بیانگر ظرفیت اصلاحی بزهکاران است.

اعتبار و روایی اجزا پرسشنامه در حد خیلی خوب می‌باشند. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش آماری خی دو استفاده شده است. بر اساس آزمون خی دو نتایج حاصله مشخص گردید که در این تحقیق اکثر فرضیه‌های مورد نظر مورد قبول واقع شده و بیشتر متغیرهای مستقل با وابسته دارای رابطه معنی‌داری هستند.

همچنین بر اساس معادله رگرسیون چند متغیری مشخص گردید که بین عوامل مستقل با متغیر وابسته تفاوت معنی‌داری وجود دارد و همچنین بین (گرایش به خانواده و ارضای نیاز) با متغیر وابسته تفاوت معنی‌داری وجود دارد و رابطه معنی‌داری بین دو متغیر با متغیر وابسته وجود دارد. (بعد خانوار، درآمد) با تغییر وابسته (از خودبیگانگی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین با استفاده از آزمون می‌توان نتیجه گرفت بین عامل (نوع مسکن، عوامل مجرمیت، گرایش به دوستان) با متغیر وابسته تفاوت معنی‌داری وجود دارد و همچنین بین عامل (محل سکونت، شغل مادر، نوع زندگی والدین) با متغیر وابسته (بزهکاری) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

همچنین با استفاده از تحلیل

۱- سطح سواد پایین، فقدان پدر یا مادر و افزایش فرزندان خانواده، وجود فرد معتاد در خانه، ازدواج مجدد والدین، نابسامانی خانواده و استفاده از مواد مخدر از جمله عوامل موثر در بزهکاری نوجوانان بشمار می‌آیند.



در مجموع سطح سواد پایین، فقدان پدر یا مادر و افزایش فرزندان خانواده، وجود فرد معتاد در خانه، ازدواج مجدد والدین، نابسامانی خانواده و استفاده از مواد مخدر و ... می‌تواند در گرایش نوجوانان به بزهکاری موثر باشند.

این عوامل در کشورهای دیگر نیز از عوامل بزهکاری شناخته شده است. اگرچه زبان افراد، فرهنگهای مختلف متفاوت است اما زبان نیازهای اقتصادی، زبان نیاز به محبت والدین، زبان نیاز به تغذیه و .. در تمام فرهنگها یکسان است بر اساس بررسی‌های انجام شده عدم امکان برای فراهم آوردن وسایل تفریح و پر کردن اوقات فراغت فرزندان و ناتوانی خانواده برای محافظت فرزندان از مفاسد موجود در محیطهای ناسالم و معاشرت با افراد ناباب همگی ناشی از فقر و تهی‌دستی خانواده است. تنبیه و زندانی کردن کودکان نیز نه تنها از رفتار ضد اجتماعی آنان نمی‌کاهد بلکه آن را زیادتر می‌کند در حالی که با تربیت صحیح به موقعیت بهتری می‌توان دست یافت. همچنین باید توجه داشت که کودک و نوجوان احتیاج به محدودیت و کنترل منطقی و عاقلانه دارد و اگر از حد لازم خود پا فراتر بگذارد باید تنبیه توأم با محبت و دلسوزی شود. علاوه بر بحث و پیشنهادات، نتایج بدست آمده از اطلاعات توصیفی و تئوریک بیانگر این نکته است که برای پیشگیری از بزهکاری جوانان دستور یا فرمول خاصی وجود ندارد. آنچه که از مطالعه تحقیق برمی‌آید این است که کل اجتماع باید در مورد پیشگیری و از بین بردن بزهکاری اقدام کنند. از رایج‌ترین انواع درمان بزهکاری در جوانان می‌توان به اجتماع درمانی اشاره کرد. در اجتماع درمانی سطوح اول دوره مقدماتی یا کارورزی مطرح می‌شود. در

این سطح جوان می‌آموزد که چگونه با دیگران ارتباط برقرار کند و ارزش‌های آنها را مد نظر قرار دهد، در این وضعیت جوانان باید مقررات و قوانین مربوط به روابط اجتماعی را فرا گیرد و آنها را درونی سازد. بنابراین، در مرحله اول جوان تلاش می‌کند تا مقررات اجتماعی و قوانین را شناخته و به آنها احترام بگذارد. در سطح دوم به جوان مسئولیت‌هایی داده می‌شود که وی باید بتواند به عنوان عضوی از جامعه فعالیت‌های خاص را صورت دهد و ویژگی‌های مسئولیت‌پذیری در این افراد افزایش می‌یابد. در سطح آخر که کمتر شخصی در این مرحله از اردوگاه باقی می‌ماند اصطلاح معلم یا مباشر مطرح می‌شود و در این سطح جوانان علاوه بر رشد اجتماعی مطلوب توانسته است مسئولیت‌پذیری را نشان دهد و آن وقت در نقش یک سرمشق افرادی را که وارد به مرحله اول می‌شوند مورد آموزش قرار داده و تلاش می‌کنند تا آنان را به فردی سودمند در اجتماع تبدیل کنند.

همچنین برای درمان هرچه بهتر بزهکاری باید به سبب‌شناسی بزهکاری از لحاظ زیستی، اجتماعی و روانی توجه خاص داشته باشیم.

پیشنهادهای فرهنگی و اجتماعی برای اینکه بتوانیم میزان بزهکاری را در کشورمان کاهش دهیم باید به موارد زیر عمل کنیم:

۱- ارتقاء سطح سواد جامعه از طریق تاسیس کلاس‌های

آموزشی به ویژه برای والدین.
۲- ارتقاء سطح آگاهی و بینش خانواده برای پاسخگویی به احساسات و عواطف فرزندان خود.

۳- بالا بردن کیفیت آموزش علمی و حرفه‌ای کودکان در کانون اصلاح تربیت.

۴- بهسازی و سالم‌سازی محیط اجتماعی برای دست یافتن به وسایل لازم برای پرورش کودک و نوجوان.

۵- برنامه‌های اساسی و جدی برای بالا بردن سطح درآمد خانواده و کاستن از هزینه‌ها، دور کردن موجبات تزلزل و ناامنی از خانواده‌ها.

۶- از میان برداشتن تبعیض‌های طبقاتی از جامعه که، بدون آن نمی‌توان انتظار کاهش کمبودهای اجتماعی را داشت.

۷- تعدیل نابرابری‌های طبقاتی.

۸- فراهم کردن امکانات لازم برای تحصیل تا سطح عالی از سودی دولت، صرف‌نظر از موقعیت خانواده.

۹- از میان بردن بدبینی دانش‌آموزان نسبت به ناموفق بودن در آینده و تامین زندگی آینده برای آنان.

۱۰- توسعه خدمات رفاهی اجتماعی، درمانی، روانی و عاطفی و جمع‌آوری خلاقان و بزهکاران از سطح جامعه.

منابع و مآخذ:

- ۱- احمدی، احمد. آسیب‌شناسی اجتماعی. پیام نور ۱۳۸۳.
- ۲- فدایی، فرید. پیشگامان روانشناسی رشد. ویلیام سی گرین، انتشارات رشد ۱۳۶۸.
- ۳- پورافکاری، نصرت ا. ... خلاصه روانپزشکی جلد ۳. انتشارات شهرآب. ۱۳۷۴.
- ۴- صدیق سروستانی، رحمت ا. ... آسیب‌شناسی اجتماعی. انتشارات دانشگاه بهزیستی ۱۳۸۰.
- ۵- کی‌نیا، مهدی. روانشناسی جنایی. رشد. ۱۳۷۴.
- ۶- ممتاز، فریده. نظریه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی. انتشارات چهره ۱۳۸۰.
- ۷- رفیع پور، فرامرز. آنومی اجتماعی. شهید بهشتی ۱۳۷۹.

